

به نام خالق هستی

درسنامه درس سوم: اصول انتخاب درست

تهیه و تنظیم: مهین قریشوندی ، شهرستان ایذه استان خوزستان

۱- قبل از هر تصمیمی در انتخاب کسب و کار، چه اصولی را باید رعایت کرد؟

اصل اول: هزینه فرصت هر انتخاب را محاسبه کرد.

اصل دوم: منابع کمیاب خود را شناسایی کرد.

اصل سوم: قید بودجه خود را ترسیم کرد.

اصل چهارم: هزینه های در رفته را فراموش کرد.

اصل پنجم: بین هزینه ها و منافع خود، مقایسه کنیم.

۲- دانش اقتصاد از کدام مفهوم برای تفکر درباره هزینه ها استفاده می کند؟

هزینه فرصت

۳- هزینه فرصت چیست؟

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید. (ارزش بهترین فعالیت دیگری که به خاطر فعالیت اول از انجام آن منصرف شده ایم.)

مثال: فرض کنید شما برای پر کردن اوقات فراغت خود در عصر امروز، چهار انتخاب را به ترتیب علاقه در نظر می گیرید (۱- سینما رفتن ۲- بازی بسکتبال ۳- مطالعه کردن ۴- رفتن به بازار برای خرید) اگر قیمت بلیط سینما ده هزار تومان باشد و شما سینما رفتن را انتخاب کنید. در این مثال، هزینه فرصت یا هزینه پنهان بهترین گزینه بعدی که از دست می دهید بازی بسکتبال است چون اگر سینما رفتن را انتخاب نمی کردید دومین اولویت شما بازی بسکتبال بود پس هزینه فرصت انتخاب سینما رفتن بازی بسکتبال است که انتخاب نشده و از دست رفته است.

۴- در این مثال چرا مجبورید بین سینما رفتن و بسکتبال بازی کردن، یکی را انتخاب کنید؟ چون زمان یا پول شما «کمیاب» است. پول یکی از امکانات کمیاب شماست. با یک مقدار مشخص از پول، نمی توانید هر چیزی را بخرید. وقت و زمان هم از داشته های کمیاب شماست. هر کاری مثل خوابیدن، غذا خوردن، مطالعه، تفریح، وب گردی در اینترنت و کارهای دیگری که به آن علاقه دارید همگی به زمان نیاز دارند و انجام هر کدام از آنها در زمان مشخص به معنای عدم امکان انجام بقیه است.

- ۵- چرا باید بین گزینه های انتخاب، «بده- بستان» کرد؟ به دلیل وجود کمیابی در امکانات و داشته ها یعنی چیزی را رها می کنید تا چیز دیگری را به دست آورید.
- ۶- فردی سه کار به او پیشنهاد می شود، کار اول با درآمد سالیانه ۵۰ میلیون تومان و کار دوم با درآمد سالیانه ۴۰ میلیون تومان و کار سوم با درآمد سالیانه ۱۰۰ میلیون تومان (مطلوب است: الف) انتخاب اول این فرد چیست؟ کار سوم که درآمدش ۱۰۰ میلیون تومان است.
- ب) هزینه فرصت این انتخاب چیست؟ کار اول است که با انتخاب کار سوم آن را از دست داده است.
- ۷- اولین امکانات ما برای تولید کالاها و خدمات چیست؟
منابع کمیاب تولید که می توان آنها را **عوامل تولید** نیز دانست.
- ۸- منابع کمیاب یا عوامل تولید را نام ببرید و مثال بزنید.
الف) منابع طبیعی: مثل چوبی که نجار روی آن کار می کند. یا دانه گندمی که کشاورز آن را در زمین می کارد.
ب) منابع انسانی: مثل نیروی کاری که در کارگاه مشغول به کار است.
ج) سرمایه شامل: ۱- **سرمایه های مالی:** مثل پولی که شخص برای راه اندازی یک کارگاه تولیدی در نظر می گیرد.
۲- **سرمایه فیزیکی:** مثل ابزار و لوازم کارآفرین مثل تراکتور برای کشاورز و چرخ خیاطی برای خیاط.
- ۹- آیا صرف وجود همه عوامل تولید در یک منطقه پاسخگوی نیازهای مردم آن منطقه است؟ خیر، حتما باید کارآفرینی باشد تا کسب و کار راه اندازی کند و با تولید کالا یا خدمات پاسخگوی نیازهای مردم باشد. مثل آشپزخانه ای که پراز مواد غذایی است ولی اگر آشپزی که آنها را باهم ترکیب کند و یک غذای لذیذ تهیه کند، وجود نداشته باشد، غذایی هم تولید نمی شود.
- این اهمیت نیروی انسانی را می رساند که از بین همه عوامل تولید مهم تر است.
- ۱۰- کارآفرینی چیست؟ تمایل افراد به سازماندهی و عملیاتی کردن کسب و کارهای جدید با پذیرش خطر عدم موفقیت است.
- ۱۱- هدف کارآفرینان از گردهم آوردن عوامل تولید چیست؟ کارآفرینان در جستجوی فعالیت های سودآور، عوامل تولید شامل نیروی کار، سرمایه ها و منابع طبیعی را گرد هم می آورند تا ۱- **با تولید کالاها و خدمات، نیازها و خواسته های دیگران را برآورده کنند** ۲- **از این محل کسب درآمد نمایند.**
- ۱۲- چراندانش اقتصاد علاوه برانتخاب های شخصی با انتخاب های اجتماعی مواجه است؟ زیرا اجتماع نیز امکانات، منابع و داشته های کمیابی دارد و با انتخاب و بده - بستان روبه روست.
- ۱۳- برای برآورده ساختن بعضی از نیازها و خواسته هایمان، باید از **منابع** برای تولید کالا و خدمات استفاده کنیم. هرچه **منابع بیشتری** داشته باشیم، **کالاها و خدمات بیشتری** می توانیم تولید کنیم.

۱۴- آیا می توانیم منابع جدیدی را خلق کنیم؟ متأسفانه نمی توانیم عصای جادویی را تکان دهیم و منابعی را خلق کنیم. به جای آن، ما به منابع در دسترس محدود شده ایم.

۱۵- منظور از محدودیت منابع چیست؟ یعنی در هر نقطه از زمان، هر کشور مقدار معینی از نیروی کار، زمین قابل بهره برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی و تعدادی کارآفرین دارد.

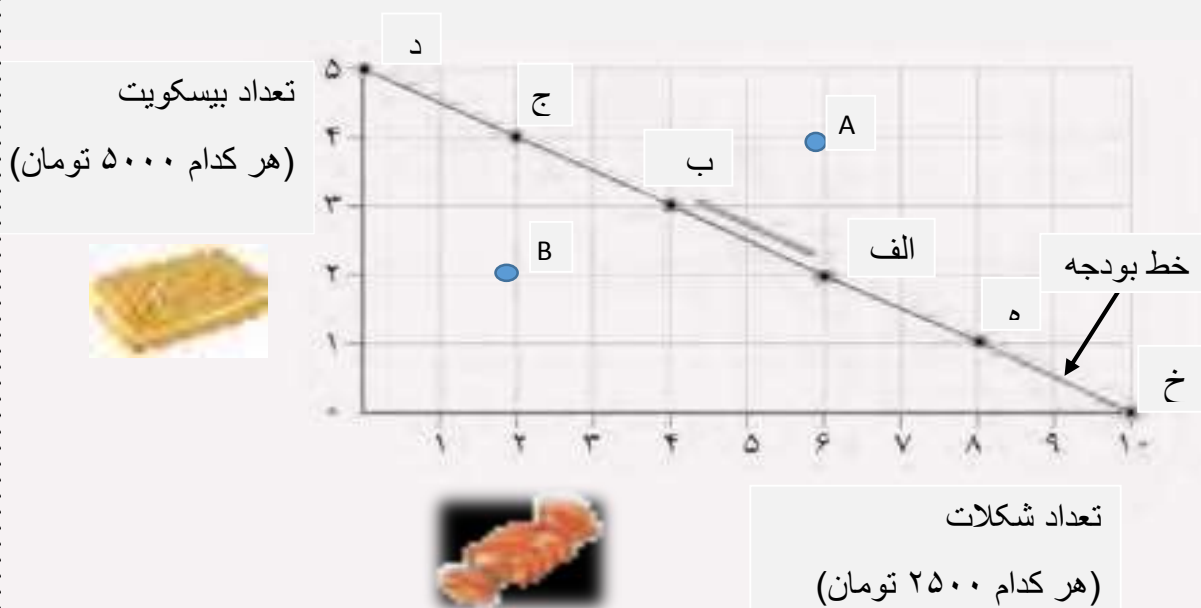
۱۶- کمیابی منابع هر جامعه را با چه چیزی مواجه می سازد؟ با **مبادله**، اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می ماند.

مثال: برای ساختن دو چرخه بیشتر، کارخانه لاستیک بیشتری به منظور تولید چرخ، فلز بیشتری برای اسکلت دوچرخه و زمین بیشتری برای سالن های کارخانه لازم است. همچنین نیاز بیشتری به سرمایه برای ساختن ماشین آلات سازنده اسکلت و قطعات دوچرخه، نیروی کار برای سر هم کردن و فروش دوچرخه و کارآفرین برای راه اندازی شغل دوچرخه سازی خواهیم داشت. منابعی که در کارخانه دوچرخه سازی استفاده می شود، نیازمند استفاده از تولیدات چیزهای دیگر مثل رایانه ها و خودروها هم هستند. پس تصمیم برای داشتن دوچرخه بیشتر به معنای از دست دادن چیزهای دیگر است.

۱۷- حتی اگر یک کشور کالاهایی را از دیگر کشورها بخرد، هنوز با کمیابی و مبادله مواجه است.

۱۸- منظور از قید بودجه چیست؟ وقتی شما مقدار مشخص و محدودی پول برای خرج کردن دارید، در این حالت می گوئیم شما یک قید بودجه دارید. به دلیل اینکه بودجه تان محدود است، شما مجبورید بین گزینه های خود بده - بستان کنید.

۱۹- فرض کنید شما **۲۵ هزار تومان** برای صرف ناهار پول دارید. **الف** در شکل زیر نحوه انتخاب بین بیسکویت و شکلات را بررسی کنید. **ب** هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه نشان دهنده چیست؟ **ج** بده - بستان بین نقاط الف و ب چگونه است؟ اگر از نقطه الف به ب یا بالعکس حرکت کنیم، چه تغییری در مقدار انتخاب شده از هر یک از این دو کالا روی می دهد؟



جدول ترکیب های قابل حصول بسکویت و شکلات با ۲۵ هزار تومان پول

ترکیب	تعداد شکلات (قیمت هر شکلات ۲۵۰۰ تومان)	تعداد بسکویت (قیمت هر بسکویت ۵۰۰۰ تومان)	کل درآمد مصرف کننده
د	۰	۵	۲۵ هزار تومان
ج	۲	۴	۲۵ هزار تومان
ب	۴	۳	۲۵ هزار تومان
الف	۶	۲	۲۵ هزار تومان
ه	۸	۱	۲۵ هزار تومان
خ	۱۰	۰	۲۵ هزار تومان

نقطه د: پنج عدد بسکویت خریده و هیچ شکلاتی نخریده و کل درآمدش صرف بسکویت کرده است.

نقطه ج: در این نقطه چهار عدد بسکویت خریداری کرده و دو عدد شکلات (برای داشتن دو عدد شکلات از یک عدد بسکویت صرف نظر کرده که این یک عدد بسکویت هزینه فرصت است).

نقطه ب: در این نقطه سه عدد بسکویت خریداری کرده و چهار عدد شکلات (نسبت به نقطه د از دو عدد بسکویت صرف نظر کرده تا بتواند چهار عدد شکلات بخرد این دو عدد بسکویت که صرف نظر شده هزینه فرصت است).

نقطه الف: دو عدد بسکویت خریداری کرده و شش عدد شکلات (نسبت به نقطه د از سه عدد بسکویت صرف نظر کرده تا بتواند شش عدد شکلات بخرد پس سه عدد بسکویت که صرف نظر شده هزینه فرصت است).

نقطه ه: در این نقطه هشت عدد شکلات خریداری کرده و یک عدد بسکویت (نسبت به نقطه د از چهار عدد بسکویت صرف نظر کرده تا بتواند هشت عدد شکلات بخرد پس چهار عدد بسکویت هزینه فرصت است).

نقطه خ: ده عدد شکلات خریداری کرده و هیچ بسکویت نخریده (نسبت به نقطه د از پنج عدد بسکویت صرف نظر کرده تا بتواند ۱۰ عدد شکلات بخرد پس پنج عدد بسکویت هزینه فرصت است).

خط بودجه: مکان هندسی ترکیب هایی از کالاهایی که در صورت هزینه شدن تمام درآمد می توانند خریداری شوند.

(ب) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه نشان دهنده ترکیب هایی از دو کالای بسکویت و شکلات است که مصرف کننده با خرج تمام درآمدش می تواند خریداری کند.

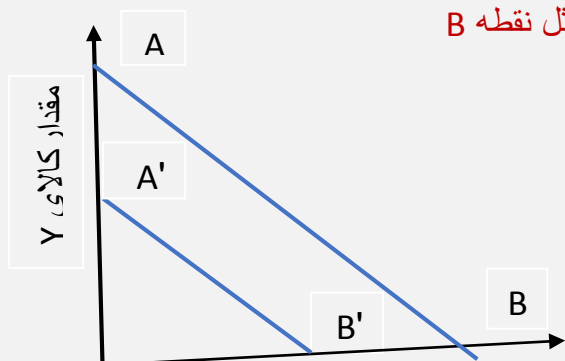
(ج) در نقطه الف شش عدد شکلات و دو عدد بسکویت خریداری شده است.

در نقطه ب چهار عدد شکلات و سه عدد بسکویت خریداری شده است.

اگر از نقطه الف به نقطه ب حرکت کنیم دو عدد شکلات از دست می دهیم تا یک عدد بسکویت بیشتر به دست بیاوریم پس دو عدد شکلات بده و یک عدد بسکویت بستان است در کل هزینه فرصت در این جابجایی دو عدد شکلات است.

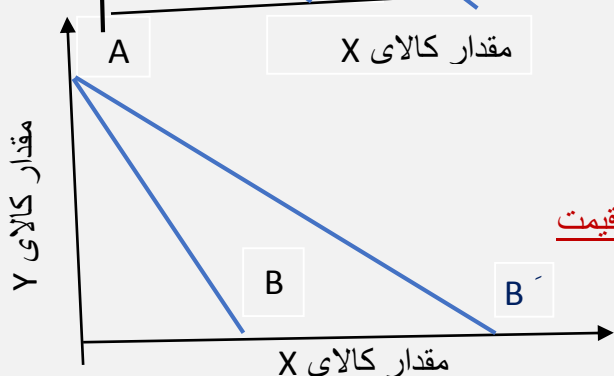
۲۰- تمام نقاط بالای خط بودجه قابل دسترسی نیستند چون درآمد محدود است مثل نقطه A

و تمام نقاط زیر خط بودجه قابل دسترسی هستند ولی بودجه فرد بطور کامل خرج نمی شود و رضایت خاطر کامل برای مصرف کننده حاصل نمی شود مثل نقطه B



۲۱- دلیل انتقال خط بودجه از AB به $A'B'$ چیست؟

با فرض ثابت بودن قیمت کالاها و کاهش درآمد خط بودجه بصورت موازی به پایین انتقال پیدا می کند.



۲۲- دلیل انتقال خط بودجه از AB به AB' چیست؟

با فرض ثابت بودن درآمد و قیمت کالای Y به دلیل کاهش قیمت کالای X خط بودجه به بیرون چرخش پیدا می کند.

۲۳- هزینه دررفته چیست؟ هزینه هایی که پرداخت شده است و شما نمی توانید آن را باز گردانید «هزینه دررفته» نام دارد؛ این هزینه ها نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد. مفهوم هزینه های دررفته را می توانید پولی تصور کنید که به یک چاه عمیق افتاده است و دیگر قابل دسترسی نیست.

۲۴- تنها هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است، هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری شما به وجود می آیند. برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید، تشخیص تفاوت هزینه هایی که بر تصمیم شما تأثیرگذارند، بسیار مهم اند. هزینه های دررفته مهم نیستند، چون دیگر رفته اند و قابل برگشت نیستند. فهمیدن اینکه هزینه ها را چطور ارزیابی کنیم، تنها بخشی از گرفتن یک تصمیم خوب است. باید هزینه ها در مقابل منافع سنجیده شوند

۲۵- اگر شما اینترنتی لباسی را به قیمت ۱۰۰ هزار تومان خریده باشید و بعد از دریافت لباس، آن را دوست نداشته باشید و لباس دیگری را به قیمت ۱۸۰ هزار تومان بخرید، هزینه دررفته شما چقدر می باشد؟ هزینه در رفته همان ۱۰۰ هزار تومانی است که دیگر قابل برگشت نیست.

۲۶- نکته در هزینه در رفته منظور این است که اگر به دلایلی تصمیم اشتباهی گرفتیم، هزینه ها و منافع را مقایسه کنیم و هزینه هایی که قبلاً از دست رفته را دیگر در تصمیم جدید در نظر نگیریم مثلاً اگر دانش آموزی رشته تحصیلی دبیرستان را اشتباه انتخاب کند و نمره هاش و معدلش ضعیف باشد، و دو سال هم از تحصیل آن دانش آموز در آن رشته گذشته باشد، برای تصمیم جدید نگوید من زمان و پول صرف کردم همین رشته را ادامه می دهم، زمان و پولی که صرف کرده را در نظر نگیرد و تصمیم جدید بگیرد.

۲۷- برای اینکه تصمیم‌گیری منطقی باشد بایدچکار کنیم؟ باید تمام منافع را با تمام هزینه‌ها مقایسه کنید و در نهایت به این نتیجه برسید که در گزینه‌ای که شما انتخاب کرده‌اید، منافع بیشتر از هزینه‌هاست؛ مثلاً افراد وقتی سوار خودرو می‌شوند منافع بستن کمربند ایمنی را با هزینه‌های آن مقایسه می‌کنند؛ ممکن است برخی با مقایسه‌ی بالا بلافاصله کمربندایمنی خود را ببندند و برخی دیگر در بستن کمربند ایمنی سهل‌انگاری کنند!

۲۸- همیشه مقایسه‌ی هزینه‌ها و منافع بر اساس چه چیزی انجام می‌گیرد؟ بر اساس اطلاعاتی که از آنها داریم.

۲۹- دو نوع گسترده از انواع تصمیمات را توضیح دهید و مثال بزنید.

- **اولین دسته** به یک انتخاب از میان گزینه‌های مختلف می‌پردازد. مثلاً گاهی اوقات گزینه‌های تصمیم ما این است که مطالعه کنیم یا به گردش برویم.
- **دسته دیگر** به انتخاب چه مقدار از هر چیزی اشاره دارد. مثلاً درباره‌ی میزان مطالعه یا مدت زمان گردش، در حال تصمیم‌گیری هستیم.

موفق باشید.